

تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر؛ مورد مطالعه: دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

غلامرضا تاجبخش¹

چکیده

هدف: هدف پژوهشگر در این تحقیق، تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی بود. **روش:** پژوهش حاضر با روش کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیری به بررسی موضوع پرداخته است. در واقع؛ رهیافت تفسیری به دنبال کشف چرایی اعمال انسانها از طریق برملا ساختن معرفت مبتنی بر معناهای ضمنی و نمادین، انگیزه‌ها و قواعدی است که به کنشها جهت و معنی می‌دهد. نمونه پژوهش حاضر را 30 نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آیت الله بروجردی تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای این پژوهش، 30 مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته انجام شد و اطلاعات حاصل از آن با تکنیک تحلیل تماتیک، تجزیه و تحلیل شد. برای گردآوری اطلاعات اصلی از مصاحبه نیمه‌ساختمند استفاده شد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها بدین گونه بود که در مرحله نخست، کدگذاری باز؛ سپس کدگذاری محوری و در مرحله آخر، کدگذاری گزینشی انجام گرفت. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش بیانگر وجود سبکهای مختلف پوشش در بین دانشجویان دختر، شامل پوشش فردی شده، پوشش مدرن، پوشش مصلحتی، پوشش تکلیفی، موقعیت‌مندی پوشش و نسبی شدن پوشش بود. **نتیجه‌گیری:** جهانی شدن فرهنگ، فناوری‌های مدرن و... باعث ورود ارزشهای جدید در جامعه ایران و به مرور زمان باعث تغییر نگرش در خصوص پوشش شده و انگیزه‌ها و شیوه‌های گوناگون حجاب و پوشش را به چالشی اساسی کشیده است.

واژگان کلیدی: حجاب، پوشش، روش کیفی، سبکهای پوشش، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی.

دریافت مقاله: 97/09/10؛ تصویب نهایی: 98/04/21.

 این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی درون دانشگاهی با کد سمات 15664-160499 است که با حمایت مالی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره) انجام شده است.

1. دکتری جامعه‌شناسی، (دانشگاه میسور - کشور هندوستان) ، دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره) ، ایران ، بروجرد. / نشانی: لرستان، بروجرد، کیلومتر 3 جاده خرم آباد، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) /

نمابر: 0664-2468320 / Email: Tajbakhsh_gr@yahoo.com

الف) مقدمه

حجاب¹ مسئله‌ای چند بعدی است. از یک سو مسئله‌ای معرفتی و دینی و اخلاقی است و از سوی دیگر، پدیده‌ای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. فرهنگ اسلامی در این راستا برای پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، توجه خاصی به بستر فرهنگ جامعه دارد و روشهایی را اظهار می‌دارد که از مهم‌ترین آنها، رعایت حجاب در فضای اجتماعی است. رعایت نکردن و نگاه سهوی به پوشش و حجاب مناسب، از جمله مسائلی است که می‌تواند سلامت فردی، خانوادگی و جامعه را تهدید کند. زنان مسلمان مثل سایر زنان، کنشگر اجتماعی‌اند، تجدد ساخت می‌کنند و اغلب خلاقانه نهادهای اجتماعی موجود را در راستای اهداف خود تغییر می‌دهند (علی‌نقیان و همکاران، 2013: 61). اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می‌خواهد که محیط اجتماع از لذتهای ناهنجار جنسی، پاک شده و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار، بگشاید. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذتهای جنسی از محیط کار و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امنیت اجتماعی آنان می‌شود. در جامعه امروزی، در نگرش و رفتار افراد جامعه تغییرات بسیاری پیش آمده که پوشش از آن جمله است؛ به گونه‌ای که جلوه‌های بسیار متنوعی از لباس و حجاب را در جامعه شاهدیم که خود حاصل ارتباطات بشری، هجوم فناوری‌های نوین، رسانه‌های جهانی مانند ماهواره‌ها و اینترنت است.

دانشگاهها از بسترهای مهم فرهنگ و فرهنگ‌سازی به شمار می‌روند و بخش عمده‌ای از جامعه‌پذیری جوانان را که قبلاً به عهده خانواده‌ها بود، به عهده دارند. از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جامعه را به خود اختصاص داده‌اند و کشور ما هم در حال توسعه و ترقی است، بنابر این پرداختن به مسائل زنان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز ماست. دانشجو با توجه به اوج جسمی و جنسی خود در این مکان است که اغلب، با جلب نظر دیگران و علاقه به خودنمایی غریزی که در وجود او وجود دارد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هر محیط اجتماعی از جمله دانشگاه، خرده‌فرهنگ خاص خود را تولید می‌کند. هر چند محیط‌های علمی با فرهنگهای کلان جامعه در ارتباط‌اند، اما برخی از عوامل آموزشی و محیطی بر رفتار دانشجویان اثرگذار است؛ از جمله نوع دانشگاه، عضویت در نهادها و تشکلهای رشته تحصیلی و چشم‌پوشی مسئولان دانشگاهها. در این میان، جمعیت 67 درصدی بانوان در دانشگاهها و جذب آنان با فرهنگهای مختلف، می‌تواند سبک پوشش و حجاب را با توجه به تأثیرپذیری جدیدی که از محیط تازه وارد شده به آن می‌گیرد، به وجود آورد و خواه ناخواه این امر منجر به حجاب، بدحجابی یا بی‌حجابی در بین آنان شود. پژوهش حاضر می‌کوشد به موضوع حجاب و سبکهای مختلف پوشش

تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر ♦ 405

دانشجویان دانشگاه آیت‌الله بروجردی که از رتبه مذهبی بالایی برخوردارند، اما سبکهای مختلفی از پوشش در میان آنان دیده می‌شود، پیردازد. در واقع؛ سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که الگوهای غالب سبک پوشش و حجاب در بین دانشجویان دانشگاه آیت‌الله بروجردی به چه شکل است؟

حجاب از یک سو، بین افراد جامعه پیوند ایجاد کرده، نمادی از فرهنگ، مناسک و آیینهاست و از سوی دیگر، ابزار قدرت است که بسیاری از افراد و جوامع اسلامی از آن به شکل مجموعه مرزهایی بین خود و جهان بیرون بهره می‌برند. امروزه حجاب به عنوان الزام اجتماعی و بخش جدایی‌ناپذیر هویت و فرهنگ اسلامی، نه تنها بر عصمت و پاکی دلالت دارد، بلکه به مثابه سپر حمایتی، از زن و مرد مسلمان و در نهایت، کل جامعه در برابر تباهی و فساد محافظت می‌کند (سنگند و همکاران، 1394: 8). دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران پیش از تاریخ نسبت می‌دهند (حاتمی، 1388: 22). در کشور ایران از زمانهای گذشته، مثل عهد ناصری، مخالفتی با حجاب وجود داشته است؛ تا اینکه در زمان پهلوی اول، به علت سیاستهای شاه و وجود روشنفکران، این مخالفتها بیشتر و منجر به کشف حجاب شد. مطالعات نشان می‌دهد اقدام رضاشاه به کشف حجاب گرچه از مقبولیت مردمی برخوردار نبود، ولی از سوی طبقه جدید روشنفکر و تحصیل کرده، حمایت می‌شد (لاریجانی، 1391: 228). با پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع حجاب به عنوان یک فریضه دینی در دستور کار کارگزاران فرهنگی جامعه قرار گرفت و از همان ابتدا مجموعه‌ای از اقدامات سلبی و ایجابی در زمینه ترویج و نهادینه‌سازی¹ فرهنگ حجاب اجرا شد. بیش از سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دغدغه مسئولان فرهنگی در این زمینه، همچنان موضوع حجاب و سازوکارهای مقابله با مظاهر بدحجابی به عنوان یک آسیب و مسئله اجتماعی مبتلا به محسوب می‌شود. در واقع؛ حجاب به مثابه رسانه‌ای نمادین و کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد است. (کرم‌الهی و همکاران، 1391: 142)

حجاب در لغت (الحجاب) جمع حجب به معنای پرده و پوشش است. بنابراین، بر اساس اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت گیرد. (محمدزاده آیسک و گواهی، 1389: 57)

گرمجیان و فولادیان (1392) در بررسی رابطه هویت فرهنگی و اجتماعی با اعتقاد به حجاب در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دریافته‌اند که هویت فرهنگی و اجتماعی با اعتقاد به حجاب، رابطه مثبت دارد. نتایج تحقیق یعقوبیان و باکویی (1393) نشان‌دهنده آن است که چهار عامل مؤثر با بیشترین میزان در گرایش به بدحجابی به ترتیب عبارتند از: مدپرستی (51 درصد)، جلب توجه دیگران (45 درصد)، انتخاب دوست (43 درصد) و اعتقادات دینی (39 درصد). در این تحقیق به عواملی همچون فقر فرهنگی و

عدم نظارت خانواده‌ها نیز اشاره شده است. در یافته‌های پژوهش تاج‌بخش (1398)، به نقش تربیتی خانواده در انتخاب نوع پوشش و همچنین رسانه‌ها، مکتوبات و فضای تعاملی اجتماع تأکید شده است. سنگنده و احمدی (1394) در پژوهشی به پیش‌بینی حجاب بر اساس عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در کشور پرداختند. برای نمونه این پژوهش از نوع همبستگی، 286 دانشجوی دختر بالای 15 سال انتخاب شدند. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی، قادر به پیش‌بینی 59 درصد از بدحجابی دختران و زنان کشور است.

بررسی نظریات جامعه‌شناسی در باب کارکردها، دلالتها و معناهای پوشش در جامعه معاصر، نشان می‌دهد که امروزه پوشش صرفاً پدیده‌ای اجتماعی و سنتی ساده که منحصرأ دارای حفاظ فیزیکی باشد تلقی نمی‌شود، بلکه پدیده اجتماعی پیچیده، چندمعنایی و چندکارکردی است.

زیمل¹ پوشش و مد را اساساً به جنبه‌های تمایزبخشی، هویت‌یابی و نمایش خود در فضاهای همگانی مرتبط می‌سازد. همین نظر را بعدها گافمن نیز در مقاله «نمایش خود در زندگی روزمره» عنوان کرد. به عقیده وی، خود افراد با اجرای نقشها و موقعیتهای عینی شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. (لیاسی، 1394: 646)

وبلن² در تحلیل خود درباره طبقه تن آسا، نمایش و مصرف تظاهری در مکانهای عمومی و همگانی را عنوان کرده و معتقد است لباس، برجسته‌ترین نمود مصرف متظاهران طبقه‌هاست. پوشش در همه وجوه، از شیوه‌های متنوع پوشیدن تا انواع مختلف لباس، رفتاری معنادار و دلالت‌مند است. مردم در خرید لباس، بیش از سایر کالاها مصرفی ناچارند بنا بر ضروریات زندگی، راحتی خود را کاهش دهند و شرایط مناسبی را برای مصرف تظاهری فراهم کنند. (وبلن، 1386: 76)

گیدنز³ در بررسی اهمیت ظاهر و اسلوبهای پوشش و آرایش، این مسئله را به پدیده برساخت هویت و بدن و آگاهی فزاینده افراد در عصر تشدید پیامدهای مدرنیته نسبت می‌دهد. از نظر وی، هویت اجتماعی ویژگی‌ای است که فرد به آن آگاهی دارد و باید آن را به طور مداوم و روزمره بسازد و در فعالیتهای بازانديشانه خود از آن حفاظت کند. از نظر او، خودآرایی و تزئین خود، با پویایی خویشتن مرتبط است و پوشاک، وسیله مهمی برای پنهان‌سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی است؛ همچنین نوعی وسیله خودنمایی محسوب می‌شود؛ زیرا آداب و اصول رایج به هویت را پیوند می‌زند. (گیدنز، 1385: 95)

بورديو⁴ نیز هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت، تمایز و پایگاه می‌داند و معتقد است سبکهای زندگی و ذائقه‌های شکل‌گرفته بر اساس سرمایه‌های مختلف فرد، منجر به مصرف کالایی می‌شوند که

1. Simmel
2. Veblen
3. Giddens
4. Bourdieu

407 **◆** تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر

تمایز اجتماعی را به وجود می‌آورند. لذا یکی از کارکردهای پوشش، تمایزبخشی است؛ افراد می‌کوشند با مصرف گونه خاصی از کالاها یا پوشاک و... خود را از دیگران متمایز کنند. (سیدمن، 1386: 199)

نظریات فمینیستی مرتبط با پوشش و حجاب، در دو گفتمان فمینیست رادیکال و موج سوم دسته‌بندی شده‌اند. در رویکرد رادیکال، تفاوتی بین مرد و زن در پوشش قائل نیستند و معتقدند زنان باید همانند مردان پوشش مردانه داشته باشند و مادرانگی را نشانه انزوای اجتماعی می‌دانند. مباحث مطرح در فمینیست رادیکال، بی‌توجه به خاستگاههای فرهنگی، طبقاتی و نژادی، همه زنان را در یک طبقه واحد جهانی قرار می‌دهد. بر خلاف رویکرد رادیکال، فمینیست موج سوم به زندگی روزمره و تجربه زیسته زنان و موقعیتهای خلاقانه‌ای می‌پردازد که زنان در زندگی اجتماعی ایجاد می‌کنند تا فشارهای حاصل از ساختارهای مستحکم طبقاتی را متعادل سازند. (علی‌نقیان، 1390: 60)

ترنر¹ نیز بدن را دارای دو وجه درونی و بیرونی می‌داند و معتقد است وجه بیرونی بدن، حاصل شخصیت و هویت اعضای جامعه است و وجه درونی به پرهیز و خویشتن‌داری؛ یعنی کنترل امیال و نیازها، به نحو سازمان اجتماعی و تثبیت نظم در جامعه مربوط است.

ب) روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر راهبرد، استقهامی است. در این پژوهش از روش تحلیل مضمون که از روشهای تحقیق کیفی است و با رویکرد روش‌شناسی اتخاذ شده تناسب بیشتری دارد، استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دختر مشغول به تحصیل دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) شهر بروجرد است که در زمان تحقیق (زمستان 1397)، 2438 نفر بودند. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، هدفمند و مبتنی بر سؤال اساسی پژوهش بوده است. در این پژوهش در بخش مطالعه پیشینه، از روش اسنادی و برای گردآوری اطلاعات اصلی، از مصاحبه نیمه‌ساختمند استفاده شده است. روش تحلیل داده‌ها نیز، تحلیل تماتیک² (موضوعی) است.

1. Turner

2. Thematic Analysis

ج) یافته‌های پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش، نمونه‌های مصاحبه، دانشجویان دختر مشغول به تحصیل در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آیت‌الله بروجردی‌اند. مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها، بیانگر تعریف، توصیف و درک کلی دانشجویان از حجاب و پوشش است.

1. پوشش بازاندیشانه

در دوران مدرنیته، انسانها پیوسته نگرشها و اعمال خود را بازسنجی و بازبینی می‌کنند که به آن خصلت بازاندیشانه می‌گوییم. بر این اساس، کنشگران تصمیم می‌گیرند چگونه رفتارهای خود را بازبینی یا بازاندیشی کنند. در زمینه پوشش، بازاندیشی‌های صورت گرفته در قالب مفاهیمی همچون: فردی‌شدن، موقعیت‌مندی، نسبی‌گرایی و مصلحت‌گرایی آورده شده است. در ادامه مصاحبه‌های مرتبط با این مقوله ارائه می‌شود.

یک) پوشش فردی‌شده¹

در این زمینه، انتخاب نوع پوشش، شخصی و فرد، مرجع تصمیم‌گیری است. در این دیدگاه، منطقی و نظر شخصی در انتخاب نوع پوشش اهمیت پیدا دارد. فرد، تابع دین و جامعه و غیره نیست. پوشش، حوزه‌ای شخصی و عرصه اعمال سلیقه و نظر شخصی فرد است و به خودنمایی فرد در انتخاب پوشش معتقد است. مرجعیت تصمیم‌گیری در انتخاب نوع و حدود پوشش، نظر خود فرد است. برخی از پاسخگویان، به صراحت چنین دیدگاهی داشتند و معتقد بودند در انتخاب نوع پوشش کاملاً استقلال عمل دارند و لباسهای خود را با سلیقه شخصی برمی‌گزینند.

فاطمه 27 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد معتقد است: «حجاب یک مسئله کاملاً شخصی هستش و هر کسی بر حسب سلیقه و طرز فکر خودش نوع پوشش را انتخاب می‌کنه».

سارا 26 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد نیز می‌گوید: «حجاب از نظر من، یک امر کاملاً شخصی و بجز خود فرد، هیچ کسی حق دخالت توی انتخابش برای افرادو نداره. در کل حجاب یعنی چیزی که به سری حد و حدود را برای خودمون مشخص کنیم».

سارا 30 ساله و دانشجوی ارشد هم می‌گه: «حجاب یه امر کاملاً شخصی و هر کسی بر حسب سلیقه و طرز فکر خودش انتخاب می‌کنه. فک کنین یه نفر بیاد به شما بگه این قسمت از بدنتو بپوشون، خیلی مسخره است، بدن خودمه اختیارشو دارم».

1. Personal Coverage

دو) پوشش موقعیت‌مند¹

این نوع پوشش همان‌گونه که از عنوانش نمایان است، بر اساس موقعیت و مکانهای مختلفی که شخص در آن حضور دارد و آن را به صلاح خویش می‌داند، انتخاب می‌شود. افرادی که این نوع از پوشش را دارند، با سنجیدن زوایای هر مسئله‌ای نظیر فرهنگ یک جمع و افراد حاضر در جمع، نسبت به انتخاب یا عدم انتخاب نوع پوشش خود تصمیم‌گیری می‌کنند و با این کار سعی دارند بهترین انتخاب را در هر شرایط و موقعیتی داشته باشند و کمترین حساسیت را برانگیزند. چنین افرادی انعطاف‌پذیرند و خود را با هر شرایطی وفق می‌دهند.

سهیلا 24 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «بر حسب شرایط و راحتی خودم چادر می‌پوشم و البته بر حسب شرایط محیطی، بعضی محیط‌ها که راحت‌تر می‌پوشم، بعضی محیط‌ها نمی‌پوشم».

فاطمه 27 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد دربارهٔ محیط و افراد حاضر در یک محیط می‌گوید: «بستگی به مکان و افرادی داره که می‌خوام توی جمعشون حضور داشته باشم. مثلاً بخوام مکان آموزشی برم، یه لباس موجه‌تر می‌پوشم؛ ولی برای مهمونی و ملاقاتهای دوستانه معمولاً لباسای شادتر و آزادتری انتخاب می‌کنم».

مهسا 23 ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «خب به نظر من نوع لباسایی که آدم توی موقعیتهای مختلف انتخاب می‌کنه متفاوت، مثلاً بعضی محیط‌ها خود به خود ایجاب می‌کنه که شما پوشش آزادتری داشته باشی و همینطور بعضی محیط‌های دیگه هم نه، شما وقتی با یه پوشش آزاد حضور پیدا می‌کنی خیلی بهت سخت میگذره. در مورد افراد هم همینطور، مثلاً بعضی وقتا شما با یه استاد قرار ملاقات داری و برات خیلی سخته که پوششت نامناسب باشه، ولی مثلاً ممکنه اگه با دوست قرار داشته باشی اصلاً همچین حسی رو نداشته باشی».

رها 26 ساله و دانشجوی ارشد می‌گوید: «خب بر اساس محیط‌های مختلف نوع پوششم فرق می‌کنه. مثلاً توی شهر خودمون خب چون کوچیک‌تره و همه آشنا هستن، خب مسلماً الگوی پوشش من پوشیده‌تر از الان. ولی بروجردها و شهرهای بزرگ‌تری که میرم، چون کسی منو نمی‌شناسه و همه مدل و سبک پوششی هست و برای کسی پوشش من خیلی جلب توجه نمی‌کنه معمولاً آزادترم».

سه) نسبی شدن پوشش¹

گرچه در گفتمان دینی و کتب فقهی محدودهٔ حجاب و بدحجابی مشخص شده، اما حجاب و بدحجابی در منظر برخی زنان، مفهوم دیگری دارد. برخی معتقدند پوشش آنان شاید بر مبنای دین و شرع، بدحجابی تلقی شود؛ ولی خودشان چنین دیدی ندارند. آنان حجاب را امری درونی می‌دانند که به شخصیت زنان مربوط می‌شود؛ لذا حجاب چیزی است که با پوشیدن مانتو و شلوار و شال نیز می‌شود آن را حفظ کرد.

سارا 26 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد دربارهٔ سبک پوشش خود می‌گوید: «هر کسی بر اساس شخصیت خودش نوع پوشش را انتخاب می‌کند. همیشه گفت کسی که فقط چادری هستش، یعنی پوشش کامل داره. من خودم چادری نیستم، ولی از نظر خودم حجابم کامل هستش».

الهه 26 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «حجاب فقط تو چادر و مقنعه خلاصه نمی‌شه به نظرم. خیلی وقتاً آدم می‌تونه با همین مانتو و شلوار و شال، نه مقنعه، هم حجابشو قشنگ رعایت کنه. ولی خب مثلاً لباسای بدن‌نما استفاده نکنه و خیلی چسبون نباشه که به نظرم این حجابیه. اسلام ولی حجابو فقط توی چادر و مقنعه و این چیزا می‌بینه. حالا من خودم به عنوان یه مسلمان اصلاً حجابو توی چادر نمی‌بینم».

چهار) پوشش مصلحتی²

اکثر زنان و دختران جوان قائل به داشتن پوششی مبتنی بر حد معمول آن در سطح جامعه‌اند. به عبارتی؛ زنان و دختران نه آنقدر دوست دارند پوشیده و در حجاب باشند و نه آنقدر جلف و تو چشم که بخواهند پوشش آزادتری داشته باشند. اغلب زنان در انتخاب نوع پوشش خود، به مقبولیت و عمومیت نوع پوشش در سطح جامعه نظر دارند. به عبارتی؛ در انتخاب نوع پوشش خود، به پوشش اعضای جامعه نظر دارند. آنان همان‌گونه می‌پوشند که سایر زنان می‌پوشند. زنان از یک سو نگاه شخصی به پوشش دارند و به تنوع پوشش و رنگ و زیبایی و راحتی علاقه‌مندند، و از سوی دیگر تحت تأثیر الزامی ساختاری مبتنی بر پوشش قرار دارند؛ الزامهایی که خانواده، سنت، جامعه و دین در زمینه پوشش بر فرد وارد می‌کند. این امر سبب می‌شود که دختران و زنان به پوششی روی بیاورند که مبتنی بر رعایت حد متوسط پوشش باشد.

زهرا 24 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «به نظر من لباسهایی که زننده نباشه و دیگران تو رو انگشت‌نما نکنن واسه انتخاب پوشش مناسب هستش».

1. Relative Coverage
2. Expedient Coverage

411 ♦ تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر

فاطمیما 21 ساله و دانشجوی کارشناسی می گوید: «من در کل برای مدل پوشش می گم لباسایی استفاده بشه که خیلی جذب و بدن نما نباشه و بدونی که کسی با دید بدی به تو نگاه نمی کنه. به نظرم در همین حد از پوشش کفایت می کنه».

شکوفه 22 ساله و دانشجوی کارشناسی می گوید: «من پوششم را جوری انتخاب می کنم که کسی بهم نگه بی بندوباره. معمولاً لباسهایی را انتخاب می کنم که راحت باشم باهاشون؛ ولی در مقابل، کسی هم بهم نگه که این جزء دخترای بی بندوباره».

رها 26 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می گوید: «لباسایی که بدن نما نباشن؛ مچ پاهام بیرون نباشه؛ لباسام اونقدری جذب نباشه که همه منو دید بزنن. ولی دستام تا به حد معمولی یکم بالاتر از ساعت م پیدا باشه، برام مانعی نداره و موهام خیلی برام اهمیت نداره».

2. حجاب پذیری در برابر حجاب گریزی

دانشجویانی که حجاب را پذیرفته اند، به عنوان یک تکلیف و وظیفه شرعی به آن می نگرند و نگرشهای سنتی را درباره حجاب حفظ کرده، نسبت به آنها پایبندند. در مقابل، دانشجویان حجاب گریز اعتقادی به حجاب ندارند و این مهم ترین وجه تمایز آنان با گروههای دیگر است. حجاب از نظر این افراد، محدود کننده آزادی و آرامش و در راستای فشار آوردن بر آنهاست. طبیعتاً به پوشش به مثابه مقوله ای کلی و جامع اعتقاد دارند و معتقدند حجاب، امری دینی و فقط مربوط به افرادی است که باورهای دینی دارند. ظاهر شدن هر فردی با هر پوششی در اجتماع، بخشی از نگرش و شخصیت اوست و تحمیل شیوه خاصی از پوشش، تنها شکلی از پوشش را محو نمی کند؛ بلکه نوعی نگرش و رویکرد به زندگی و در نتیجه، بخشی از اجتماع را از حضور و بروز خود محروم می سازد؛ زیرا بسیاری از افراد با این نوع از پوشش همسویی ندارند و پوشش متفاوتی را انتخاب می کنند.

پنج) پوشش تکلیفی¹

پوشش دینی یکی از پوششهای رایج در جامعه است؛ زیرا دین از مؤلفه های اساسی و در واقع؛ اساسی ترین مؤلفه حاکم بر زندگی و تعیین کننده عملی آن است. زنانی که پوشش دینی دارند، به پوشش و رعایت حجاب به مثابه تکلیفی دینی می نگرند. آنان در بیشتر کنشهای خود، به دین و آموزه های آن توجه دارند و سعی می کنند انتخابهایشان متأثر از دین باشد. منطق این افراد، پایه و اساس دینی دارد و در انتخاب رنگ و نوع پوشش بیش از همه آموزه های دینی برایشان اهمیت دارد تا ملاحظات فردی و اجتماعی.

شیرا 25 ساله و دانشجوی ارشد دربارهٔ سبک پوشش می‌گوید: «سبک پوشش مناسب از نظر من، پوشش بر اساس اصل حجاب برتر؛ یعنی چادر هستش. من همیشه سعی کردم توی پوشش از لباسهایی استفاده کنم که تمام قسمتهای بدنم، به جز دستام تا مچ و گردی صورتمو پنهان کنه».

عاطفه 27 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «من در انتخاب لباس و داشتن حجابم به دین توجه دارم. در ضمن با رعایت حجاب، بسیار آرام میشم. من توی پوشش حتماً از چادر استفاده می‌کنم، هیچوقت لباسهایی که بدن‌نما باشه یا جلب توجه کنه اصلاً استفاده نمی‌کنم. همیشه سعی کردم از لباسهایی که زیبا باشن و در عین حال خصلت دینی دارن رو استفاده کنم».

نگار 22 ساله می‌گوید: «الگوی انتخاب من برای پوششم الگوی حضرت فاطمه هستش که حتی وقتی یه نابینا هم وارد خونش شد، حجابشو رعایت کرد. منم سعی کردم توی زندگیم همیشه به این الگو برسم و همیشه سعی کردم سبک پوشش حجاب کامل باشه. مثلاً بیرون حتماً از چادر استفاده می‌کنم و توی خونه هم که هستم باز لباسایی دین‌پسند می‌پوشم».

ش) پوشش مدرن¹

رویارویی جامعهٔ ایران با فرهنگ، فناوری و زندگی شهری مدرن، فضایی ناهمگون و چندپاره پدید آورده و افراد را در انتخاب الگوها و روشها با تردید دائمی روبه‌رو کرده است. دختران و زنان جوان دیگر الگوهای سنتی را نمی‌پذیرند. در نتیجه، باورهای مشترک سست شده و تعلق و پایداری آنان نسبت به پوششهای سنتی از بین رفته است. این گروه، از تیپهای سنتی و دینی پیروی نمی‌کنند و معمولاً در سبک پوشش خود از مانتوهای کوتاه و تنگ و شلوارهای قد 90 و کوتاه استفاده می‌کنند.

مارال 21 ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «من در انتخاب پوششم تا به حال هیچوقت ملاک و معیار دینی نداشتم. مثلاً الان جامعه سبک مانتوهای جلو باز و شلوارای کوتاه رو پذیرفته و منم استفاده می‌کنم».

زهر 24 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «خب سبک پوشش من جوریه هستش موهام تا هر اندازه‌ای که بخوام بیرون هستش، یا از مانتو و کاپشنهای کوتاه استفاده می‌کنم، نه اینکه بگم حتماً دنبال مدهای خاصی میرم، ولی مثلاً الان مانتوی جلو باز مد شده، من با تاپ هم ازش استفاده می‌کنم و برام مانعی نداره».

پروانه 28 ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «خب من معمولاً توی انتخاب لباسام خیلی خودمو محدود و در قید و بند چیزی قرار نمی‌دم، از هر مدل جدیدی که این روزا می‌بینم استفاده می‌کنم،

413 ♦ تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر

مثلاً شلوار قد کوتاه می‌پوشم یا مثلاً از این کت و دامنهایی که با ساپورت مد شده می‌پوشم و مانتوی جلو باز استفاده می‌کنم. در کل هر چیزی بجز اون پوششهای سنتی رو من استفاده می‌کنم».



مدل 1: سبکهای مختلف پوشش

د) بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی از انجام پژوهش حاضر، شناسایی تیپهای مختلف پوشش و حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه آیت‌الله بروجردی بود. در این پژوهش، مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در قالب مقوله‌های محوری و عمده تقسیم‌بندی شده‌اند. بی‌گمان مقولاتی نظیر حجاب و پوشش در جامعه ما که از نظر جامعه‌شناسی، جامعه‌ای در حال گذار با مشخصات ویژه خود است، مقوله‌ای تک‌بعدی و یک‌عاملی نیست، بلکه چند بعدی و برآمده از عوامل متعدد است (رضانی، 1389: 1). این مسئله در ایران، فارغ از جایگاه طبقاتی، نظام سیاسی، موقعیت نسبی و... از ساختارها، الگوها سلايق و... تأثیر پذیرفته و سبب شده است که حجاب و پوشش در جامعه ایران، مسئله‌ای شخصی و فردی محسوب نشود و بیشتر مسئله‌ای اجتماعی قلمداد شود. همین مسئله، واکنشهای متعددی را در خصوص سبکهای مختلف پوشش با خود به همراه داشته است. زنان و دختران جوان علاوه بر تعریف سبکهای مختلفی از پوشش برای خود، دلالت‌های متنوعی را نیز برای انتخاب سبکهای پوشش خود ذکر می‌کنند.

در خصوص اعتمادپذیری کدهای استخراج شده باید گفت که اعتمادپذیری به واقعی بودن توصیفها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت کنندگان پژوهش. برای رسیدن به این امر، در پژوهش حاضر به مواردی همچون: تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با همتایان، تحلیل موارد منفی، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضا، توجه شده است.

اولین مقوله محوری عمده در پژوهش حاضر، پوشش بازاندیشانه است. بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن، در برگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی، پیوسته بازسنجی و بازنگری می‌شوند. ویژگی مدرنیته، بازاندیشی درباره همه چیز است و در این بین، بازاندیشی نسبت به ارزشهای پیشین جامعه، از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است که با فرایند جهانی شدن، شدیدتر نیز شده است. افراد در زندگی مدرن از کرداری صرفاً به این دلیل که تاکنون این گونه بوده است، پیروی نمی‌کنند و برای مشروعیت‌بخشی، منطق شخصی خود را مشروع‌تر از سنت می‌دانند. بازاندیشی در مدرنیته، منحصر به فرد است و باید متمایز از نظارت بازتابی برای اعمال و رفتار دانسته شود که ویژگی ذاتی هر نوع فعالیت انسانی است؛ زیرا سبب دگرگونی در خصلت پدیده‌ها و کنشهای انسانی و تغییر در نگرش می‌شود. این بازاندیشی، در حوزه نگرش زنان به پوشش، ماهیت و چگونگی آن نیز مشاهده می‌شود.

اکثر دانشجویان، چه افراد معتقد به حجاب و چه افرادی که به آن اعتقاد ندارند، مبنای نگرش خود را بر سنت؛ یعنی کنشی که در گذشته مرسوم بوده است، نمی‌گذارند و دلایلی فراتر از آن، بسته به گفتمان مرجع و منابع معرفتی خود ذکر می‌کنند. در بررسی مصاحبه‌ها نیز این بازاندیشی کاملاً نمایان بود. مفاهیمی که مصاحبه‌شوندگان درباره پوشش بازاندیشانه ذکر کرده‌اند، در قالب مفاهیمی نظیر پوشش فردی شده، پوشش موقعیت‌مند، نسبی شدن پوشش و پوشش مصلحتی بیان شده‌اند که همه آنها خصلت زندگی مدرن‌اند.

مفهوم «پوشش فردی‌شده» در این سبک از پوشش، دال بر سلیقه‌ای دانستن و شخصی دانستن مسئله حجاب و پوشش است. آنان بر این باورند که هیچ یک از ساختارهای محدودکننده نظیر دین، جامعه و...، حق دخالت در انتخاب شخصی افراد را ندارند و باید برای افراد حق انتخاب فردی در نوع پوششان قائل شد. به طور کلی این گروه پیش از آنکه حجاب و پوشش را مسئله‌ای اجتماعی بدانند، آن را مسئله‌ای فردی می‌دانند. در این خصوص، بوردیو می‌گوید: سبکهای مختلف پوشش به جای اینکه انعکاس‌دهنده نابرابری‌های طبقاتی باشند، بسیاری از مردم آن را ابداعات افرادی با استعداد می‌دانند که در برگیرنده تفاوت‌های طبیعی در غریزه فردی است.

مفهوم دیگری که توسط مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره شده، موقعیت‌مندی پوشش است که یکی دیگر از ویژگی‌های دوران مدرنیته است. بر اساس نظر این گروه، پوشش بستگی به موقعیتهای مختلف دارد و هر

415 ♦ تحلیل کیفی سبکهای پوشش در بین دانشجویان دختر

شرایط و موقعیت مکانی، سبک خاصی از پوشش را می‌طلبد. یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های افرادی که سبک پوشش موقعیت‌مند را انتخاب می‌کنند، انعطاف‌پذیری است که بر حسب افراد، موقعیتها و مکانهای مختلف قابل تغییر است. در این باره ویلن معتقد است شخص ممکن است در بعضی محیطها لباسهای ناراحتی بپوشد تا خوش پوش جلوه کند. لباس پیش از آنکه نوعی نیاز باشد، تبدیل به مسئله‌ای ظاهری شده و کارکرد حفاظتی خود را که همان محافظت از سرد و گرم است، از دست داده و کارکرد تظاهری و نمایشی به خود گرفته است.

یکی دیگر از مهم‌ترین خصایص بازانندیشی مدرنیته، نسبی‌اندیشی است. بر این اساس، افراد معتقدند هیچ مفهوم مطلق وجود ندارد و اینکه گفته می‌شود حجاب و پوشش مناسب صرفاً به معنی چادر یا... است، نیست و هر کسی می‌تواند بر حسب نظر خود، نوع پوشش مناسب را انتخاب کند. برای مثال، یک سبک پوشش در بین گروهی از افراد ممکن است به معنای پوشش مناسب باشد، ولی در بین گروهی دیگر معنای غیر از این را داشته باشد.

در مفهوم پوشش مصلحتی نیز الگوی انتخاب پوشش برای افراد معتقد به آن، پذیرفته شدن در اجتماع است. این گروه به طور کامل از قید و بند ساختارهای الزام‌آور رها نشده و در مقابل، به صورت صد درصد نیز پوشش کامل را نپذیرفته‌اند. تنها ملاک و معیار آنان در انتخاب پوشش، پذیرفته شدن در اجتماع و مصلحت جمعی است.

حجاب‌پذیری در معنای کلی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد دلالت‌های مبتنی بر حجاب را می‌پذیرند. یکی از نمودهای حجاب‌پذیری، پوشش تکلیفی است. این گروه از افراد، پوشش دینی را از رایج‌ترین سبکهای پوشش می‌دانند و به پوشش به مثابه نوعی وظیفه و تکلیف دینی می‌نگرند که با رعایت آن، هویت دینی خود را حفظ و بازتولید می‌کنند. این گروه از افراد زندگی خود را اغلب بر اساس آموزه‌های دینی تشکیل می‌دهند و اکثر کنشهایشان منطقی و بر مبنای دین است. در مقابل پوشش تکلیفی، پوشش مدرن است که بر اساس آموزه‌ها و تأثیرات مدرنیته و دنیای جدید شکل می‌گیرد. افراد دارای سبک مدرن معمولاً به حجاب اعتقادی ندارند و سعی دارند حد نهایی کنشگری را به نمایش بگذارند. این گروه از افراد، سبک پوششهای سنتی و تکلیفی را نپذیرفته، سبک پوشش جدیدی را که انتخاب خود شخص است می‌پذیرند.

پیشنهادها

- بسترسازی مناسب فرهنگی در رسانه‌های دیداری و شنیداری برای دعوت از کارشناسان فرهنگی و اجتماعی به منظور تبیین موضوع مهم حجاب در صدا و سیما و...؛
- استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی به منظور فرهنگ‌سازی موضوع حجاب؛

- استفاده حداکثری از توان و ظرفیت بالقوه و بالفعل تشکلهای دانشجویی؛
 - با توجه به موقعیت‌مند بودن مقوله پوشش و حجاب، شرایط و موقعیتهایی که زنان در آن قرار می‌گیرند، به نحوی طراحی شوند که بانوان در کمال آرامش و به دلخواه پوشش مناسب را انتخاب کنند؛
 - تقویت ایمان و باورهای مذهبی و اخلاقی برای جلوگیری از ورود بی‌اخلاقی‌ها در میان زنان و دختران؛
 - استفاده از مبلغان مذهبی از جنس خود زنان و دختران و صحبت کردن از تجربه‌های زیسته خود و دیگران درباره حجاب؛
 - برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و کارگاههای آموزشی در دانشگاه با موضوع عفاف و حجاب و طرح آثار مثبت و منفی عفاف و حجاب برای دختران؛
 - توسعه فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، تبلیغی و ارشادی و آماده‌سازی فضای دانشگاه و جامعه به این صورت که افراد به شکل طبیعی در فضای جامعه اقدام به رعایت حجاب کنند؛
 - هم‌افزایی وزارتخانه‌ها و سازمانهایی نظیر آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تبلیغات اسلامی و... در زمینه ترویج و بسط فرهنگ عفاف و حجاب؛
 - ترویج و بسط فرهنگ نظارت همگانی در دانشگاه و جامعه (امر به معروف و نهی از منکر)؛
- استفاده از قوای انتظامی و قضایی برای مبارزه با بدحجابی یا بی‌حجابی در مرحله آخر و پرهیز از استفاده از این توان در مرحله اول.



منابع

- ایاسی، فاضل (1394). تحلیل معانی و دلالت‌های پوشش نزد زنان طبقه متوسط؛ مطالعه زنان 15 تا 30 سال شهر کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.
- تاج‌بخش، غلامرضا (1398). «بررسی جامعه‌شناختی الگوهای سبکهای مختلف پوشش دانشجویان دختر». دومین همایش ملی جامعه‌شناسی تحلیلی. بروجرد.
- حاتمی، حمیدرضا و معصومه حاتمی (1388). نگاه روانی، اجتماعی و اسلامی به مسئله حجاب و بدحجابی. [بی‌جا]: نشر بسیج خواهران کشور.
- خدادادی سنگنده، جواد، احمدی، خدابخش (1394)، " نقش عوامل فرهنگی و رسانه ای در پیش بینی حجاب زنان"، فصلنامه فرهنگی، تربیتی زنان و خانواده، شماره 33.
- رضائی، رضا (1389). حجاب در ایران، مجله بانوان شیعه، ش 11.
- سیدمن، استیون (1386). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشر نی
- علی‌نقیان، شیوا (1390). نظریه‌پردازی مبنایی و دلالت‌های حاکم بر انتخاب انواع پوشش در میان زنان شهر تهران. پایان‌نامه. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کرم‌الهی، نعمت‌الله و محمد آقاسی (1391). «بررسی گرایش دختران دانشجوی به حجاب و بدحجابی». مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره یکم، ش 2.
- گیدنز، آنتونی (1385). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گرمجیان، جواد و احمد فولادیان (1392). «بررسی رابطه هویت فرهنگی و اجتماعی با اعتقاد به حجاب در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد». فقه و تاریخ تمدن، سال نهم، ش 35.
- لاریجانی، مهدیه و مهسا لاریجانی (1391). «بررسی علل رویگردانی از حجاب از منظر جامعه‌شناسی». بانوان شیعه، سال نهم، ش 29.
- محمدزاده آیسک، زینب و زهرا گواهی (1389). «مسئله حجاب از دیدگاه مذاهب اسلامی». ویژه‌نامه سومین جشنواره دختران آفتاب، ش 38-39.
- وبلن، تورسین (1386). نظریه طبقه‌ن‌آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی، ج دوم.
- یعقوبیان، ناهید، باکویی، فاطمه، قنبری، محسن (1393). «علل گرایش به بدحجابی از دیدگاه دانشجویان دختر علوم پزشکی بابل»، نشریه اسلام و سلامت، شماره 3.
- Alinaghian, S.; M. Shahabi & F. Javahery (2013). "Basic Theorization of Cultural Aspects and Indications of Tehran City Women Veil Variety". *Quarterly of Iranian Social Science Student*, 4: 55-82.
- Alinaqian, Shiva (2011). **Basic Theorizing and Implications on the Choice of Types of Dressing among Women in Tehran**. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaei University.

- Eliasy, Fadhil (2015). **Analysis of Meanings and Implications of Coverage among Female Middle Class Women Studying from 15-30 Years old in Kermanshah**. Master's Thesis. Faculty of Humanities and Social Sciences of Kurdistan University.
- Gharmijan, Javad & Ahmad Fooladian (2013). **"Investigating the Relationship between Cultural and Social Identity with Hijab Belief among Students of Islamic Azad University of Mashhad"**. *Quarterly Journal of Islamic Law and Civilization*, Vol. 9, No. 35.
- Giddens, Anthony (2006). **Sociology**, translation by Manouchehr Sabouri, Tehran, Ney Publishing.
- Hatami, Hamid Reza & Masoumeh Hatami (2009). **Psychological, Social, and Islamic Perspectives on Hijab and Bad Hijab Issues**. Basij Publication of Sisters of the Country.
- Karamolahei, Nematollah & Mohammad Aghasi (2012). **"Studying the Tendency of Girl Students to Veiling and Bad Hijab"**. *Journal of Social Studies and Research*, Vol. 1, Issue 2.
- Khodadi Sangandeh, Javad, Ahmadi, Khodabakhsh (2015), **The Role of Cultural and Media Factors in Predicting Women's Hijab**, *Journal of Cultural, Women's and Family Education*, No. 33.
- Larijani, Mahdieh & Mahsa Larijani (2012). **"Investigating the Causes of Disengagement from the Hijab from the Perspective of Sociology"**. *Two Shiite Women's Promotion Scientific Journal*, Vol. 9, No. 29.
- Mohammad Zadeh Aysak, Zeynab & 2010). **"The Issue of Hijab from the Point of View of Islamic Religions"**. *Special Edition of the Third Festival of Girls in the Sun*, No. 38-39.
- Ramazani, Reza (2010). **Hijab in Iran**, *Journal of Shia Women*, no. 11.
- Sidman, Steven (2007). **Controversy in Sociology**, translation: Hadi Jalili, Tehran, Ney Publishing
- Tajbakhsh, Gholamreza (2019). **"A Sociological Study of Patterns of Different Styles of Coverage of Female Students"**. Second National Conference on Analytical Sociology. Boroujerd.
- Veblen, Tursin (2007). **Tonza's Classroom Theory**. Translation of Farhang Ershad. Tehran: Second Edition, Ney.
- Yaghoubian, Nahid, Bakoyi, Fatemeh, Ghanbari, Mohsen (2014). **The Causes of tendency to Bad veil from the Perspective of Female Students of Babol Medical Sciences University**, No. 3.

